

عنوان مقاله:

ضابطه مندی تفسیر ساختاری در تفاسیر المیزان، الاساس فی القرآن و فی ظلال القرآن

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی، دوره 4، شماره 8 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 50

نویسندگان:

طلعت حسنی بافرانی - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

معصومه امامی - دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم و قرآن حدیث دانشگاه قم

خلاصه مقاله:

نظریه تفسیر ساختاری؛ به این معنا که میان آیات هر سوره از قرآن یکپارچگی، وحدت محتوایی و مضمونی وجود دارد، بر دو مبنای توفیقی بودن چینش آیات و وحدت موضوعی سور، استوار است و مانند هر نظریه دیگری مخالفان و موافقانی دارد. علامه طباطبایی مفسر بزرگ شیعه و سیدقطب و سعید حوی از مفسران بزرگ اهل سنت به این نظریه معتقد و بر مبنای آن پایبندند؛ به گونه ای که آثار این اعتقاد به وضوح در تفاسیر ایشان (المیزان، فی ظلال القرآن، الاساس فی القرآن) مشهود است. این مقاله با هدف دفاع از این نظریه و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، به مقایسه تفسیر ساختاری سوره مبارکه شوری و موضوع محوری در نظر گرفته شده برای آن توسط این سه مفسر، پرداخته است. همچنین، این مقاله نتیجه می گیرد که در هر سه تفسیر با وجود اختلاف روش جزئی مفسران، موضوع وحی، به عنوان موضوع محوری سوره شوری معرفی شده است. که این امر به نوبه خود سهمی در اثبات ضابطه مند و غیرسلیقه ای بودن این شیوه از تفسیر را ایفا می کند.

کلمات کلیدی:

تفسیر ساختاری، وحدت موضوعی سور، سوره شوری، علامه طباطبایی، سعید حوی، سیدقطب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/862102>

